

## تأخیر مجازات زنان از منظر فقه و حقوق

کریمه هزاره<sup>۱</sup>

### چکیده

تفاوت مجازات مردان و زنان از مباحث چالشی فقها و حقوق دانان اسلامی بوده است. یکی از این تفاوت‌ها، تأخیر مجازات زنان در موارد خاص است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی تأخیر مجازات زنان از منظر فقه و حقوق را تبیین نمود. پس از مفهوم‌شناسی و بیان مصادیق تأخیر مجازات زنان و مستندات آن مشخص شد که قصاص عضو و حد تازیانه (اعم از تازیانه معین شرعی و تعزیری) بر زن مستحاضه به دلیل بیمار بودنش و بر زن نَفَسَا به دلیل درد کشیدنش تا زمان بهبودی کامل جاری نمی‌شود. همچنین در حقوق، قصاص و حد اعدام و سنگسار بر زن حامله و زن شیرده که به جز شیر مادر، تغذیه دیگری برای طفل نباشد، حداکثر تا دو سالگی طفل به تأخیر می‌افتد اجرای قصاص عضو و حد تازیانه بر زن مستحاضه و نفسا تا بهبودی کامل به تأخیر می‌افتد.

**واژگان کلیدی:** مجازات، تأخیر مجازات، فقه، حقوق.

### ۱. مقدمه

زنان بخش بزرگی از جامعه بوده و مانند مردان همیشه در معرض ارتکاب رفتارهای مجرمانه هستند و مرتکب جرم می‌شوند، اما به دلیل وضعیت جسمی و روحی خاص ناشی از نحوه خلقتشان و مسئولیت اجتماعی ویژه، واکنش جامعه و مجازاتی که در فقه و حقوق برای آنها لحاظ می‌شود، متمایز هستند و تخفیف‌هایی در مجازات آنها داده است. یکی از این

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

تخفیف‌ها، تأخیر و به‌عقب انداختن اجرای مجازات زنان در برخی موارد است. تأخیر مجازات زنان در کتاب‌های فقهی، بخش اندکی از مباحث قصاص، دیات، حدود و تعزیرات را به خود اختصاص داده و مصادیق آن نیز محدود است، اما در نوشته‌های حقوقی، تأخیر مجازات زنان زیرمجموعه بحث تخفیف مجازات زنان و امثال آن، مورد بحث قرار گرفته است. با بررسی و جست‌جویی که انجام شد کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای با نام تأخیر مجازات زنان در فقه و حقوق یافت نشد. بنابراین، خصوصیات جسمی و روحی زنان اقتضا دارد تا در قوانین، استثنائاتی نسبت به زنان در نظر گرفته شود که یکی از آنها به‌عقب انداختن اجرای مجازات زنان در موارد خاص مثل زن حامله، زن شیرده، زن مستحاضه و... است تا از عواقب خطرناکی مانند آسیب جدی نسبت به خود زن یا فرزندش حتی مرگ بچه‌اش جلوگیری شود. بحث از تأخیر مجازات زنان در قالب تحقیقی مستقل، امری ضروری به نظر می‌رسد. تحقیق حاضر در پی آن است تا دلایل، مستندات و مصادیق تأخیر مجازات زنان از منظر فقه و حقوق را در قالب تحقیقی مستقل بررسی کند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. فقه

فقه در لغت به معنای دانش و فهم تعریف شده است: «الْفَقْهُ: الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ وَالْفَهْمُ لَهُ». (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۵۲۲/۱۳) در برخی تعاریف، فقه به معنای فهم و دانستن دین آمده است و کسی که فهم و دانش دین را داشته باشد به آن فقیه گفته می‌شود: «لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ عِمَادُ الدِّينِ الْفَقْهُ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۰). در علم فقه، علم به احکام شرعیه فرعیه را فقه می‌گویند: «الْفَقْهُ فِي الْاصْطِلَاحِ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرَعِيَّةِ أَوْ تَحْصِيلِ الْوُضَائِفِ الْعَمَلِيَّةِ عَنِ الْأَدْلَةِ التَّفْصِيلِيَّةِ» (مشکینی، ۱۴۱۶، ص ۱۸). فقه در اصطلاح فقها به معنای دانستن یا داشتن علم به احکام شرعیه فرعیه یا تحصیل و یادگیری وظایف عملی با ادله تفصیلیه است.

## ۲-۲. حقوق

ارائه تعریف دقیقی از حقوق مانند دیگر علوم اجتماعی کار آسانی نیست؛ زیرا واژه حقوق، کاربردهای مختلف و معانی گوناگونی دارد. دانشمندان علم حقوق برای حقوق چند تعریف ذکر کرده‌اند از جمله: «حقوق عبارت از مجموعه قواعد و مقررات ناظر بر روابط گوناگون فردی و اجتماعی است»؛ یعنی مجموعه بایدها و نبایدهایی که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آنها هستند و دولت ضمانت اجرای آنها را برعهده دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۲). حقوق، مجموعه مقرراتی است که بر روابط افراد یک جامعه سیاسی، حکومت دارد و گاهی آن را حقوق نوعی می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۸۲). در جای دیگر، حقوق به مقرراتی می‌گویند که روابط افراد را با یکدیگر و دولت‌ها و سازمان‌ها تنظیم می‌کند. حقوق عبارت است از مقرراتی که روابط بین افراد را با هم و روابط بین دولت را با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تنظیم می‌کند (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ۳-۲-۱/۹). حقوق یعنی، مجموعه قواعد، نظامات و مقرراتی که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع شده است و ضمانت اجرایی کافی و مؤثر دارد که این ضمانت اجرا یا در خود آن مقررات هست و یا به وسیله دولت تأمین می‌شود (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور کلی است که برای ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و دولت اجرای آن را تأمین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱/۶۶۶).

## ۲-۳. مجازات

مجازات در لغت از واژه جَزَى یَجْزِي جَزَاءً گرفته شده و به مکافات عمل به ثواب و عقوبت معنا شده است: «جَزَى یَجْزِي جَزَاءً، أی: کافأ بالإحسان و بالإساءة». (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۱۶۴) در اصطلاح فقهی نیز به معنای مکافات عمل اعم از مکافات ثواب و عقاب به کار رفته است. مجازات به معنای مکافات عقاب و به اعتبار نوع فعل یا ترک فعل مجرمانه به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شود. حدود به مجازاتی می‌گویند که از جانب خداوند مقرر گشته و

حق الله محسوب می‌شود و محدود به جرم زنا، قذف، شرب مسکر، سرقت، محاربه، ارتداد و بغی است (عوده، ۱۳۹۰، ۹۱/۱). قصاص و دیات، مجازات تعیین شده‌ای هستند که حق الناس شناخته می‌شود و اگر افراد بخواهد از آنها بگذرد مجازات ساقط می‌شود. این دسته مجازات، محدود به جرایم قتل عمد، قتل غیرعمد، قتل خطایی و ایراد جراحت بر دون نفس می‌شود (عوده، ۱۳۹۰، ص ۹۳). جازات تعزیری جرایمی هستند که تعیین مجازات آنها در اختیار قاضی گذاشته شده است (عوده، ۱۳۹۰، ص ۹۳). در حقوق، کلمه مجازات زمانی به کار می‌رود که عملی مخالف قانون باشد و از مجازات به معنای پاداشی نکوهش کننده، رنج آور و ترساننده یاد شده و در مقابل افعال یا ترک افعالی ایجاد شده تا مرتکب یا مرتکبان آن اعمال را تنبیه کنند. قانون، مجازات‌ها را مشخص و انواع آنها را روشن و شیوه اجرای آنها را اعلام می‌کند (نوربهار، ۱۳۹۰، ص ۴۱).

#### ۲-۴. تأخیر مجازات

تأخیر به معنای عقب انداختن عمل از اول وقت امکان آن است. همچنین اجرای حد واجب مثل تازیانه بر مجرمی که بیمار است و امید بهبودی اش وجود دارد تا بهبودی اش به تأخیر انداخته می‌شود (محقق حلی و شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۳۹). تأخیر مجازات در حقوق، جایی است که مانعی بر اجرای مجازات وجود داشته باشد و تا رفع این شرایط که احتمال ورود صدمه و خسارت بر دیگری باشد اجرای مجازات به تأخیر می‌افتد مثل تعویق اجرای مجازات قصاص نسبت به زن حامله تا زمانی که بچه اش را به دنیا بیاورد (صادقی، ۱۳۹۳، ص ۲۴).

#### ۳. انواع مجازات

مجازات در حقوق کیفری اسلام به چهار دسته: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شود. قصاص و دیات در مورد جنایت و اعمال زیان باری است که علیه جان و یا جسم دیگری رخ می‌دهد مانند قتل، ضرب و جرح و قطع عضو، سلب منافع و سقط جنین.

### ۳-۱. تأخیر مجازات قصاص و دیات زنان از منظر فقه

قصاص از واژه قص گرفته شده و به معنای دنبال کسی رفتن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۱/۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲۷۶/۹) بنابراین، به دنبال کردن جانی و قطع کردن دست کسی که دست مجنی علیه را قطع کرده است، قصاص گفته می‌شود. در اصطلاح فقهی نیز قصاص به معنای کیفری است که جانی به علت ارتکاب جنایت عمدی بدان محکوم می‌شود و با جنایت وی برابر است (نجفی، ۱۳۶۷، ۷/۴۲؛ صانعی، ۱۴۲۴، ص ۱۴). دیه به معنای مالی است که بدل نفس مقتول است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۲۸۳/۱۵). دیه به معنای دادن مالی است که بدل نفس است و بعدها به خود آن مال، دیه اطلاق شده است (فیومی، ۱۴۱۵، ۶۵۴/۲). مباحث قصاص و دیه در کتاب‌های فقهی مانند الجنایات آمده است. جنایت در یک تقسیم‌بندی به دو قسم: قتل و کمتر از قتل تقسیم می‌شود. قصاص نیز به دو قسم: قصاص نفس و قصاص مادون نفس تقسیم می‌شود.

### ۳-۲. تأخیر مجازات قصاص و دیات زنان از منظر حقوق

نسبت به ماهیت دیه سه نظریه وجود دارد: برخی دیه را از امور مدنی و جبران خسارت می‌دانند، برخی دیگر آن را نوعی کیفر می‌دانند، برخی دیگر قایل به کیفر و جبران خسارت بودن دیه هستند، اما قانون مجازات اسلامی ایران، دیه را مجازات می‌داند. (ماده ۱۴ ق.م.ا، ۱۳۹۲) دیه به معنای مالی است که در ازای جنایت بر نفس و جنایت بر مادون نفس قرار داده شده و باید به مجنی علیه یا ولی دم پرداخت شود (ر.ک.، عاملی، بی تا، ۴۸۹/۲). بنابراین، بحث از تأخیر دیات و بیان مصادیق و مستندات آن از منظر حقوق نیز معنا ندارد.

### ۳-۳. مصادیق تأخیر مجازات قصاص و دیات زنان در فقه

با آنکه ظاهر قصاص، مرگ، نیستی و اعدام قاتل است، اما خداوند با جمله «ولکم فی القصاص حیاة یا اولوالالباب لعلکم تتقون» (بقره: ۱۷۹) این گونه مرگ را زندگی و حیات می‌داند. امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «قصاص باعث حیات سه گروه است: اول

کسی که قصد قتل عمد دیگری را داشته باشد چنانچه از حکم قصاص مطلع باشد و بداند که اگر دستگیر شود ولی دم می‌تواند او را قصاص کند از قتل صرف نظر کند؛ دوم کسی که قصد جان وی شده بود، ولی به دلیل انصراف قاتل کشته نمی‌شود. همچنین وقتی بدانند قصاص لازم است از ترس قصاص، جرأت اجرای اندیشه مجرمانه خود را نمی‌کنند (عاملی، ۱۴۱۴، ۵۳/۲۹). براین اساس هم وضع قانون قصاص و هم اجرای قصاص باعث حیات می‌شود. هرچند قصاص حق ولی دم است، ولی توصیه شده که بهتر است ولی دم به جای قصاص، قاتل را عفو و یا با او بر پرداخت دیه مصالحه کند (مائده: ۲۵).

#### ۳-۴. مصادیق تأخیر مجازات قصاص زنان در فقه

##### ۳-۴-۱. زن حامله

یکی از مصادیق تأخیر مجازات قصاص نسبت به زنان در فقه به تأخیر انداختن اجرای قصاص زن حامله است تا زمانی که فرزندش متولد شود. در تأخیر انداختن اجرای قصاص، فرق ندارد بارداری اش قبل از ارتکاب جرم باشد یا بعد از ارتکاب جرم. کتاب حقوق کیفری اسلام ترجمه کتاب شرایع الاسلام و مسالک الافهام در این باره می‌نویسد: «زن باردار به قصاص نمی‌رسد تا فرزندش به دنیا آید هرچند پس از ارتکاب جرم باردار شده باشد» (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۶). همچنین نسبت به حامله بودن زن اگر شک و تردیدی وجود داشته باشد، می‌نویسد: «هرگاه زنی مدعی حمل شود و قابله‌ها بر این امر گواهی دهند حمل ثابت می‌شود و اگر دعوی مجرد باشد؛ (یعنی بدون شاهد باشد) گفته شده است که به گفته او توجه نمی‌شود؛ زیرا موجب جلوگیری از تسلط ولی دم می‌شود. اگر گفته شود که ادعای او مورد توجه قرار می‌گیرد، احوط است» (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۶). پس زن حامله فرق ندارد حملش حلال باشد یا حرام تا زمانی که بچه‌اش متولد نشود و از لبا ننوشد، قصاص عضو و نفس بر او جاری نمی‌شود (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۷) هرچند شاهی بر حملش نباشد، صرف با ادعای زن بر اینکه حامله است اجرای قصاص بر او تا زمانی که بچه‌اش متولد شود به تأخیر می‌افتد اگرچه حملش بعد از ارتکاب جرم و صدور حکم محقق شده باشد.

دومین علت به تأخیر افتادن اجرای قصاص بر زن، شیرده بودن زن است. زنی که هنگام حمل یا بعد از تولد فرزندش مرتکب جرم شود که مجازاتش قصاص (اعم از قصاص نفس و عضو) باشد اجرای قصاص به تأخیر می‌افتد تا زمانی که بچه از شیر مادر بی‌نیاز شود و بر ولی دم لازم است تا زمانی که کودک غذاخور نشود، صبر کند البته این در صورتی است که برای کودک جز شیر وسیله دیگری نباشد (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۷) در توضیح این مورد گفته شده است: «پس از آنکه مادر لباء را به فرزند داد اگر کسی نباشد که او را شیر دهد و یا چیزی نباشد که فرزند با آن زنده بماند مانند شیر گوسفند و جز آن در این صورت در وجوب مهلت دادن تا وقتی که زن شیردهی یا وسیله دیگری پیدا شود دو وجه است. اصح آن دو وجه، وجوب تأخیر آن است» (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۷).

### ۳-۴-۳. مصادیق تأخیر دیات زنان در فقه

دیه به معنای مالی است که در ازای جنایت بر نفس و جنایت بر مادون نفس، قرار داده شده و باید به مجنی‌علیه یا ولی دم پرداخت شود. (ر.ک.، عاملی، بی‌تا) به دلیل تقسیم شدن جنایت در فقه به جنایت عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض، گرفتن دیه در جنایت عمدی، اقدامی داوطلبانه و امری پسندیده است که منوط به رضایت دو طرف و مورد تشویق قرار گرفته است، اما جبران خسارت در جنایت شبه‌عمدی و خطای محض منحصر به پرداخت دیه است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۳۴). هرچند در میزان پرداخت دیه، دیه زن متفاوت از دیه مرد است، اما نسبت به زمان پرداخت دیه، میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، مطرح کردن تأخیر مجازات دیه زنان از منظر فقه بی‌مورد خواهد بود و بحث از مصادیق و مستندات آن نیز جا ندارد.

#### ۴. دلایل و مستندات تأخیر مجازات قصاص و دیات زنان در فقه و حقوق

با اینکه اهل سنت برای استخراج احکام و اجرای آن از دلایل و مستندات بیشتری نسبت به شیعیان بهره می‌برند، اما مستندات و دلایل مورد اتفاق فقهای شیعه که اهل سنت نیز غالب آن را قبول دارند چهار دلیل است که اینک تأخیر مجازات قصاص و دیات زنان در این مستندات چهارگانه جست‌وجو می‌شود:

##### ۴-۱. مستندات فقهی

##### ۴-۱-۱. قرآن

قرآن کریم مانند قانون اساسی، فقط به کلیات می‌پردازد. درباره قصاص نیز به صورت کلی پرداخته و دستور به قصاص در قتل داده و قصاص را مایه حیات بشر دانسته است (ر.ک.، بقره: ۱۷۸ و ۱۷۹)، اما نسبت به تأخیر اجرای قصاص زنان که مبحثی جزئی است نپرداخته و مستندات آن باید در روایات ائمه معصومین که خود قرآن ناطق و مفسر قرآن هستند و در سایر مستندات، جست‌وجو شود.

##### ۴-۱-۲. روایات

مجازات‌هایی که جنبه حق‌الله در آنها غالب است یا اینکه حق‌الله محض است بنا بر تخفیف گذاشته شده است. بنابراین، تأخیر در اجرای حدود حق‌الله آسان‌تر است، اما در مجازاتی که حق‌الله محض است یا اینکه جنبه حق‌الناس در آنها غالب است مثل قصاص، اصل بر اجرای فوری مجازات است. با این حال با در نظر گرفتن مبانی و فلسفه جواز تأخیر اجرای حدود، جواز یا وجوب تأخیر در حق‌الناس نیز منتفی نیست. یکی از جاهایی که اجرای حدود به تأخیر می‌افتد سرزمین دشمن است. در سرزمین دشمن (کافر) به دلیل ترس از اینکه غیرت و حمیت، مجرم را وادار کند که به آنان ملحق شود اقامه حدود به تأخیر می‌افتد. امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَقَامُ عَلَى أَحَدٍ حَدٌّ بِأَرْضِ الْعَدُوِّ؛ حدود در سرزمین دشمن اقامه نشود» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۴/۱۲۷). با اینکه ظاهر این روایت مختص به حدود است، اما مصلحتی که



تأخیر را اقتضا یا ایجاب می‌کند شاید در هر یک از حق الله یا حق الناس وجود داشته باشد. به نظر دکتر نوبهار: «حتی در قصاص که جنبه حق الناسی در آن به اعتباری از حدود حق الناسی هم برجسته‌تر است جواز تأخیر (در صورت وجود مصلحت) منتفی نیست» (نوبهار، ۱۳۹۴، ص ۳۵۲). بنابراین، هرچند نسبت به لزوم تأخیر اجرای قصاص زن حامله و زن شیرده نتوان روایتی پیدا کرد، اما مصلحت حفظ جان جنین و بچه شیرخوار بالاترین درجه مصلحت است؛ زیرا با قصاص زن حامله، جنینش نیز می‌میرد و با قصاص مادر، بچه شیرخوارش که غیر از شیرمادر امکان تغذیه‌اش نباشد نیز خواهد مرد درحالی‌که خداوند کشتن یک فرد بی‌گناه را به منزله کشتن تمام انسان‌های روی زمین می‌داند (ر.ک.، مائده: ۳۵).

#### ۴-۱-۳. اجماع

اجماع به معنای اتفاق نظر جمیع فقهای یک عصر یا جمیع فقهای اعصار در موضوعی واحد است. اجماع از نظر شکلی ممکن است منبع مستقلی در کنار کتاب و سنت تلقی شود، اما از نظر ماهوی، اجماع زمانی حجت است که کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم عَلَيْهِ السَّلَام باشد. (قیاسی، دهقان و خسروشاهی، ۱۳۸۹، ۴۷/۱) مصالحی که باعث تأخیر اجرای حدود می‌شود و به برخی از آنها در روایات اشاره شده است مثل تأخیر در اجرای حد در سرزمین دشمن در هوای گرم و سرد (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۲۶/۱۴) این مصالح محدود به موارد مذکور در نصوص نخواهد بود، بلکه مجازات و اجرای آن امری اجتماعی است و بسیاری از فقهای مذاهب مختلف اسلامی تصریح کرده‌اند که تأخیر در اجرای حدود به دلیل اقتضای مصلحت محکوم یا مصلحت اسلام جایز است (نوبهار، ۱۳۹۴، ص ۳۲۴). در کتاب جواهرالکلام به تأخیر انداختن اجرای قصاص نسبت به زن حامله و در هر مورد دیگر که اجرای قصاص موجب صدمه و خسارت بر دیگری شود مورد اتفاق فقهای امامیه دانسته شده است (نجفی، ۱۳۶۳، ۳۰۲/۴۱). واژه حد در معانی گوناگونی به کار رفته است مانند مطلق عقوبت و مجازات (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۴۵)، پس می‌توان مصالح منصوص در روایات را به قصاص که خود نوعی از

عقوبت و مجازات اسلامی است، تسری داد و مدعی شد که مصلحت جان جنین و مصلحت حفظ جان بچه شیرخوار باعث تأخیر اجرای قصاص نسبت به مادر می‌شود و این امر مورد اتفاق و اجماع فقهاست. قرطبی می‌گوید: «در میان امت، اختلاف نظری در این زمینه نیست که اگر اجرای قصاص سبب فتنه‌افروزی یا تفرق و تشتت امت شود تأخیر آن جایز است جدای از صحت و سقم این ادعا و اعتبار چنین اجماعی این گفته صحیح و براساس موازین و مبانی است (نوبهار، ۱۳۹۴، ص ۳۵۲).

#### ۴-۱-۴. عقل

با توجه به آنکه تمام فعالیت‌های ذهنی انسان حتی فهم کتاب و سنت توسط عقل صورت می‌گیرد نقش عقل ابزاری است مگر در دو صورت مستقلات عقلیه و مستلزمات عقلیه که نقش یک منبع حقوق اسلامی را عرضه می‌کند. در مستقلات عقلیه که عقل بدون استعانت از شرع و به شکل مستقل به آن می‌رسد در یک قیاس منطقی، هر دو مقدمه صغری و کبری را خود عقل کشف می‌کند. نتیجه این قیاس به‌ضمیمه جمله: «هر آنچه عقل بدان حکم می‌کند شرع نیز بدان حکم می‌کند» حکم عقلی محض است. مثل حرام بودن ظلم و واجب بودن عدل. در مستلزمات عقلیه (ملازمات عقلیه) که یکی از دو مقدمه قیاس، حکم شرعی و دیگری حکم عقلی است نتیجه از مستلزمات عقلیه است. به عبارت دیگر ملازمات عقلیه، لوازم عقلی حکم شرعی هستند. برای مثال اگر شرع بگوید نماز واجب است عقل نیز می‌گوید مقدمه هر واجبی هم واجب است، پس وضو نیز واجب است (قیاسی، دهقان و خسروشاهی، ۱۳۸۹/۱، ۴۹).

نسبت به قصاص زن حامله و شیرده نیز عقل به لزوم تأخیر اجرای قصاص حکم می‌کند چون کشتن فرد بی‌گناه مثل جنین و بچه شیرخوار که با قصاص مادر صورت می‌گیرد، ظلم است و هر ظلمی قبیح است، پس شارع مقدس نباید اجازه به اجرای قصاص زن حامله و شیرده دهد. همچنین شارع مقدس، کشتن یک فرد بی‌گناه (جنین و بچه شیرخوار) را مساوی با کشتن تمام افراد انسان می‌داند و فعل حرام است. از طرف دیگر عقل می‌گوید

هرآنچه مقدمه (اجرای قصاص زن حامله و زن شیرده) فعل حرام شود نیز حرام است، پس اجرای قصاص بر زنی که باعث مردن جنین و بچه خوارش شود نیز حرام است و باید اجرای قصاص تا زمان متولد شدن جنین و بی‌نیاز شدن از شیر مادر به تأخیر بیفتند.

#### ۴-۲. مستندات حقوقی

##### ۴-۲-۱. قانون موضوعه

قانون موضوعه ایران به پیروی از فقه درباره حضانت و شیر دادن توسط مادر می‌گوید: «مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد» (ماده ۱۱۷۶ ق.م.ا، ۱۳۸۵)، پس در صورتی که تغذیه طفل به غیر از شیر مادر ممکن نباشد مادر حق ندارد از شیر دادن خودداری کند همچنین کسی حق ندارد مادر را از طفل بگیرد حتی اگر مادر مرتکب جرم قتل شده باشد که مجازاتش قصاص باشد مادر قصاص نمی‌شود تا زمانی که طفل از شیر مادر بی‌نیاز شود. قانون‌گذار در جای دیگر بر لزوم تأخیر اجرای قصاص نسبت به زن حامله و زن شیرده این‌گونه تصریح می‌کند: «زن حامله که محکوم به قصاص نفس است نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند قصاص به تأخیر می‌افتد» (ماده ۴۳۷ ق.م.ا، ۱۳۹۲). همچنین نسبت به قصاص عضو زن حامله و زن شیرده می‌نویسد: «ماده ۴۴۳- اگر زن حامله محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص پیش یا پس از وضع حمل، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد قصاص تا زمانی که بیم مذکور برطرف شود به تأخیر می‌افتد» (ماده ۴۴۳ ق.م.ا).

##### ۴-۲-۲. رویه قضایی

جایگاه رویه قضایی در جایی است که در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد. هیأت عمومی دیوان عالی کشور با حضور سه چهارم رؤسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می‌شود و موضوع مختلف‌فیه را بررسی کرده نسبت به آن

اتخاذ تصمیم می‌کند و ماحصل آن برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. (نوربهار، ۱۳۹۰، ص ۹۳) در ماده ۴۴۲ و ۴۴۳ ق.م.ا به تأخیر اجرای قصاص زن حامله و زن شیرده تصریح شده است. بدین وسیله از رویه‌های مختلف در اجرای قصاص نسبت به زن حامله و زن شیرده جلوگیری می‌شود و مستند کردن تأخیر اجرای قصاص زن حامله و زن شیرده به رویه قضایی، بی‌مورد خواهد بود؛ زیرا همه قضات ملزم به تأخیر انداختن اجرای قصاص زن حامله و زن شیرده هستند.

#### ۴-۳. منابع شرعی

منابع شرعی در واقع اصلی‌ترین منبع حقوق جزای اختصاصی است و سایر منابع به نوعی به آن بازگشت دارد؛ زیرا هرگونه اقدام به قانون‌گذاری و محدود کردن آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد تنها در صورتی موجه است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برگرفته از منابع شرعی باشد. (صادقی، ۱۳۹۳، ص ۲۹) منابع شرعی همان منابع چهارگانه یعنی، قرآن، روایات، اجماع و عقل است که در بخش دلایل و مستندات فقهی تأخیر اجرای قصاص زنان به آن اشاره و معلوم شد که تأخیر اجرای قصاص زن حامله و زن شیرده نه تنها مخالف قرآن کریم نیست، بلکه در روایات به نحوی به آن تصریح شده و مورد اتفاق فقها و مورد تأیید عقل نیز است.

#### ۴-۳-۱. عرف

عرف در یک تعریف کلی به معنای مجموع آداب، رسوم و سنت‌های یک قوم است با اینکه نقش عرف در حقوق جزا به‌ویژه در کشورهایایی که قوانین مدون برای تنظیم روابط اجتماعی‌شان حاکم است به ظاهر دیده نمی‌شود، اما باید پذیرفت که هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان از عرف آن محروم کرد یا بدان بی‌اعتنا بود. (نوربهار، ۱۳۹۰، ص ۳۴) در قانون ایران اگر فتاوی معتبر علما در شکل فتوا و نه قانون پذیرفته شود در این فتاوی جای پای عرف را می‌توان دید. بنابراین، عرف در قالب این فتاوی خود به صورت منبع اصلی حقوق جزای کشور ایران درآمده است که در دادگاه‌ها می‌توانند آن را ملاک صدور حکم در صورت فقدان قانون قرار دهند (نوربهار، ۱۳۹۰، ص ۳۵). نسبت به تأخیر اجرای قصاص زن حامله و شیرده، چه عرف

را مجموعه آداب و سنت‌های یک قوم دانست یا فتاوی را مصداق عرف بدانند در هر دو صورت، سنت رایج و فتاوی مشهور بر لزوم به تأخیر انداختن قصاص زن حامله و زن شیرده است تا از قتل فرد بی‌گناه (جنین و طفل) خوداری شود. جلوگیری از قتل فرد بی‌گناه نه تنها عرف رایج جوامع اسلامی است، بلکه هرگونه ترساندن و ضرر رساندن به افراد بی‌گناه، عرف رایج تمام مردم دنیاست که در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است و یکی از اهداف اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز رسیدن به جهانی است که در آن همه افراد بشر از ترس و واهمه آزاد باشند. بنابراین، تهدید کردن اشخاص از آن نظر که موجب ایجاد ترس و واهمه در آنها می‌شود ناقص یکی از اصول حقوق بشر است (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۴۸۳). وقتی ترساندن و ایجاد واهمه نسبت به افراد، مخالف عرف مردم دنیا و ناقص یکی از اصول حقوق بشر است قتل و به خطر انداختن جان جنین و طفل که مصداق اکمل فرد بی‌گناه است به طریق اولی باید مخالف عرف مردم دنیا و ناقص اصلی از اصول حقوق بشر باشد.

##### ۵. تأخیر مجازات زنان در حدود و تعزیرات

واژه حد که جمع آن حدود است در لغت دست‌کم در دو معنا به کار رفته است: یکی مرز و انتهای و دیگری منع. (جوهری، ۱۴۰۷، ۲/۴۶۲) در اصطلاح نیز برای حد تعریف‌های بسیار شده که می‌توان آنها را در دو تعریف خلاصه کرد: الف) تعریف ناظر به مجازات: شهید ثانی می‌گوید: «حد، مجازات خاص به درد آوردن بدن مکلف به علت ارتکاب معصیتی خاص از سوی اوست که شارع، میزان آن را در همه افرادش مشخص کرده است» (ر.ک.، عاملی، بی تا، ۲/۴۲۳). ب) تعریف ناظر به جرم: محقق می‌گوید: «هر جرمی که مجازات معینی داشته باشد حد نامیده می‌شود» (مروارید، ۱۴۱۰، ۲۳/۳۲۹). تعزیر در لغت به دو معنای متضاد تأدیب و تعظیم به کار رفته است (جوهری، ۱۴۰۷، ۲/۷۴۴). در اصطلاح گاه آن را وصف جرم و گاه وصف مجازات دانسته‌اند. مرحوم محقق حلی می‌نویسد: «آنچه عقوبت معین ندارد تعزیر نامیده می‌شود»

(مرورید، ۱۴۱۰، ۳۲۹/۲۳)، اما صاحب ریاض معتقد است: «هر مجازاتی که شرعاً مقدار آن معین نشده، تعزیر است» (طباطبایی، ۱۴۲۲، ۴۱۵/۱۳).

با شناخت کلی از دو واژه حد و تعزیر، در ادامه به مصادیق و مستندات تأخیر مجازات حدی و تعزیری زنان از منظر فقه و حقوق پرداخته می‌شود. تأخیر مجازات حدود و تعزیرات زنان از منظر فقه فقها در تعدد جرایم مستوجب حد اختلاف نظر دارند. محقق حلی هشت جرم حدی را چنین شمرده است: «زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرابخواری، سرقت و محاربه» (مرورید، ۱۴۱۰، ۳۲۹/۲۳). بدین ترتیب مجازات‌های حدی عبارتند از: قتل، رجم، شلاق، قطع عضو، حبس ابد، تبعید، صلب یا به‌دار کشیدن، سرتراشیدن و کور کردن چشم (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

#### ۵- ۱- تأخیر مجازات حدود و تعزیرات زنان از منظر فقه

فقها در تعدد جرایم مستوجب حد اختلاف نظر دارند. محقق حلی هشت جرم حدی را چنین شمرده است: «زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرابخواری، سرقت و محاربه» (مرورید، ۱۴۱۰، ۳۲۹/۲۳). بدین ترتیب مجازات‌های حدی عبارتند از: قتل، رجم، شلاق، قطع عضو، حبس ابد، تبعید، صلب یا به‌دار کشیدن، سرتراشیدن و کور کردن چشم (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۹).  
 شرع مقدس اسلام اهتمام فراوانی به اجرای حدود دارد به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجرای یک حد را بهتر از بارش باران چهل روزه می‌داند و می‌فرماید: «اقامه حد خیر من مطر اربعین صباحاً» (عاملی، ۱۲/۲۸). درباره حدود گفته شده که فوری اجرا شود: «لیس فی الحدود نظر ساعه»، مختص حدود و مجازات‌های معین شرعی است و فوریت در مجازات تعزیری دلیل ندارد؛ زیرا اول، روایت سکونی که فوریت را می‌رساند متیقن آن، مجازات‌های معین شرعی است؛ دوم، قاعده فوریت اجرای مجازات برخلاف اصل عدم وجوب تعجیل و اصل عدم حرمت تأخیر است؛ سوم، قصاص و برخی تعزیرات از جمله حق الناس و قابل اسقاط هستند به طریق اولی تأخیر در اجرا مجازات، کمتر از اسقاط است و... (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۳).

## ۵-۲. تأخیر مجازات حدود و تعزیرات زنان از منظر حقوق

همان طور که در متون فقهی اصل بر عدم جواز تأخیر در اجرای حد بود در حقوق جزای عرفی هم عدم جواز تأخیر در اجرای کیفر، اصل پذیرفته شده‌ای است. مجازات‌ها برای کارآمدی باید به طور قطعی اجرا شوند، اما در نظام‌های عرفی، گونه‌هایی از تأخیرهای معقول و متعارف حتی پس از اثبات جرم از نظر مراعات مصلحت یا دفع مفسده مهمی پذیرفته می‌شود. برخی از این تأخیرات دارای وجه انسانی و احترام به حقوق محکوم است. روایاتی ذکر شد که در آنها مشخصاً اجراس چند مورد از حدود به دلایل مشخص به تأخیر افتاده بود. اگر به ظاهر لفظ حد و جدای از هرگونه بحث تحلیلی نگاه شود، روشن نیست که مقصود از حد در این روایات خصوص حدود اصطلاحی باشد، بلکه استعمال واژه حد در مطلق مجازات‌ها فراوان است در مجموع به نظر نمی‌رسد حد و تعزیر به لحاظ تأخیر یا سرعت در اجرای کیفر با یکدیگر تفاوتی داشته باشند تا روایات مربوط را به‌ویژه حدود اصطلاحی ناظر باشد. (نوبهار، ۱۳۹۴، ص ۳۵۱) در قانون موضوعه نیز مواردی وجود دارد که لزوم تأخیر در اجرای حد بر زنان را می‌رساند. این موارد در قانون مجازات اسلامی ایران عبارتند از: تأخیر اجرای حد نسبت به زن باردار و زن در حال نفاس (ماده ۹۱)، پیدا نشدن کفیل برای نوزاد زن محکوم به حد قتل یا رجم (ماده ۹۱)، احتمال ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار در اثر اجرای حد جلد بر زن (ماده ۹۲)، بیماری و استحاضه نسبت به حد جلد (ماده ۹۳) (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵).

قانون‌گذار در ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نسبت بر موارد لزوم تأخیر در اجرای مجازات تعزیری نسبت به زنان می‌نویسد: «مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی‌شود: الف) زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه باشد؛ ب) زن شیرده در ایامی که طفل وی شیرخوار است حداکثر به مدت دو سال». (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵) این ماده قانونی که برگرفته از روایاتی است که چنین احکامی را برای حدود مقرر داشته، اما مفاد این ماده لزوم تأخیر در اجرای شلاق

تعزیری در موارد یاد شده است، اما هیچ دلالتی بر لزوم فوریت در اجرای شلاق تعزیری در غیر موارد یاد شده ندارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۶).

## ۶. نتیجه‌گیری

واکنش جامعه و مجازات پیش‌بینی شده در فقه و حقوق نسبت به زنان به واسطه وضعیت جسمی و روحی خاص، متمایز از مردان است. زن باردار اگر مرتکب جرم قتل شود یا کاری انجام دهد که حد شرعی اش اعدام یا سنگسار باشد اجرای قصاص و اجرای حد تا زمان متولد شدن جنین به تأخیر می‌افتد. بعد از تولد طفل، اگر کسی دیگر غیر از مادر باشد تا از این طفل پرستاری کند و برایش شیر و غذا تهیه کند با اینکه برخی از فقها همچنان قایل بر عدم اجرای قصاص و حد هستند، اما قانون موضوعه، مانعی بر اجرای قصاص و اجرای حد نمی‌بیند، اما اگر طفل غیر از مادر و شیر مادرش، غذا و پرستاری نداشته باشد به اتفاق فقها و قانون موضوعه، مادر قصاص نمی‌شود و حد بر او جاری نمی‌شود، البته نسبت به مدت زمان تأخیر اجرای حکم، فقها معتقدند تا زمانی که طفل از مادر بی‌نیاز نشود اجرای حکم به تأخیر می‌افتد، اما قانون موضوعه، دو سالگی طفل را آخرین مهلت اجرا نکردن حد می‌داند. قصاص عضو یا حد تازیانه (اعم از تازیانه شرعی معین یا تعزیری) بر زن مستحاضه که حالت بیماری دارد تا زمان بهبودی کاملش به تأخیر می‌افتد. همچنین زنی که در حالت نفاس است و از این ناحیه زجر می‌کشد، قصاص عضو و حد تازیانه تا بهبودی کامل بر او جاری نمی‌شود هرچند مانعی بر اجرای قصاص نفس و حد اعدام و سنگسار نسبت به زن مستحاضه و زن نفاسا وجود ندارد و می‌توان زن مستحاضه و زن نفاسا را قصاص یا اعدام کرد.



## فهرست منابع

- \* قرآن کریم
۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. محقق: هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
  ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
  ۳. آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸ ش.
  ۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). مقدمه عمومی علم حقوق. تهران: گنج دانش.
  ۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح. بیروت: دارلعمل للملايين.
  ۶. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۱). قواعد فقه جزایی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ لغت‌نامه‌های دانشگاه تهران.
  ۸. صادقی، محمد هادی (۱۳۹۳). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). تهران: نشر میزان.
  ۹. صانعی، یوسف (۱۴۲۴). فقه الثقلین، (کتاب القصاص). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
  ۱۰. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۲۲). ریاض المسائل. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
  ۱۱. عاملی، حر (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت ع.
  ۱۲. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی). مسالک الافهام. تهران: چاپ سنگی.
  ۱۳. عوده، عبدالقادر (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی (جرم و ارکان آن). مترجم: فرهودی‌نیا، حسن. تهران: نشر یادآوران.
  ۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
  ۱۵. فیروزآبادی، نجم‌الدین (بی‌تا). قاموس المحيط. بیروت: دارالمعرفه.
  ۱۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۵). مصباح المنیر. قم: دارالهجره.
  ۱۷. قانون مجازات اسلامی
  ۱۸. قانون مدنی، مصوب ۱۳۸۵.
  ۱۹. قیاسی، جلال‌الدین. دهقان، حمید. و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت انتشارات با همکاری بهمن برنا.
  ۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
  ۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). الکافی. محقق/مصحح: دارالحدیث. قم: دارالحدیث.
  ۲۳. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
  ۲۴. محقق حلی، شهید ثانی (۱۳۷۴). حقوق کیفری اسلام. ترجمه: حدود و تعزیرات، قصاص و دیات از کتاب شرایع الاسلام و مسالک الافهام. مترجم: محمدی، ابوالحسن. تهران: نشر دانشگاهی.
  ۲۵. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰). سلسله‌الینایع الفقہیہ. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
  ۲۶. مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۶). اصطلاحات الأصول و معظم ابحاثها. قم: نشر الهادی.
  ۲۷. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامی.

۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۹. مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی (بی تا). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم: دایره المعارف فقه اسلامی.
۳۰. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. نوبهار، رحیم (۱۳۹۴). جستاری درباره تأخیر در اجرای حد. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و هشتم، شماره دوم، ص ۱۰۴.
۳۲. نوبهار، رضا (۱۳۹۰). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳۳. واحدی، قدرت الله (۱۳۸۵). مقدمه علم حقوق. تهران: میزان.

